رویداد

۲۰۰۰ اسباب‌بازی ایرانی در جشنواره ملی اسباب‌بازی

دبیر پنجمین جشنواره ملی اسباب‌بازی ضمن تشریح جزئیات این جشنواره، از ارائه ۲۰۰۰ اسباب‌بازی ایرانی با حضور بیش از ۶۰ طراح و عروسک‌ساز و معرفی ۴۰۰ عروسک در این جشنواره خبر داد.

محسن حموله در این باره به ایسنا گفت: جشنواره ملی اسباب‌بازی از شنبه هفتم دی در مرکز آفرینش‌های فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان کار خود را با شعار «تمرین زندگی» آغاز می‌کند. این جشنواره تا ۱۳ دی ادامه خواهد داشت.

دبیر جشنواره ملی اسباب‌بازی در ادامه با اشاره به برگزاری نمایشگاه تخصصی دستاوردهای صنعت اسباب‌بازی ایرانی گفت: بیش از صد محصول آموزشی برای کودکان تولید شده که در این بخش به نمایش گذاشته خواهد شد. همچنین ۲۰۰۰ اسباب‌بازی ایرانی با حضور بیش از ۶۰ طراح و عروسک‌ساز و معرفی ۴۰۰ عروسک بخشی از برنامه‌های نمایشگاه تخصصی جشنواره ملی اسباب‌بازی خواهد بود.

به گفته دبیر جشنواره ملی اسباب‌بازی، از ابتدای سال ۹۷ تا پایان آبان ۹۸، ۵۱۱ اسباب‌بازی ثبت شده است که از این تعداد ۲۷۶ اسباب‌بازی مجوز تولید نیز دریافت کرده‌اند. همچنین ۱۲۸ اثر در حوزه اسباب‌بازی‌های رقابتی حضور دارند.

دنگ

دلجویی ماکان‌بند از کودک افغانستانی

کنسرت شب گذشته ماکان بند سه اتفاق ویژه داشت؛ محمدرضا گلزار کیک تولد امیر مقاره را برید، زلمه روی صحنه آمد و دکور صحنه هم کشتی بزرگی بود. کنسرت ماکان بند شب گذشته، دوم دی ۱۳۹۸ در سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی برگزار شد.



این کنسرت مصادف با زادروز امیر مقاره یکی از خوانندگان گروه «ماکان‌بند» بود.

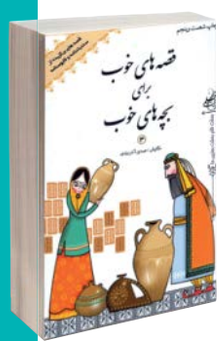
کنسرت شب گذشته «ماکان بند» مهمان ویژه دیگری به نام «زلمه» داشت. «زلمه» کودک افغانستانی است که چندی پیش از سوی یکی از شهروندان ایرانی آزار دید و ویدیوی این اتفاق در فضای مجازی دست به دست شد. «ماکان‌بند»، زلمه را به کنسرتش دعوت کرد و او را روی صحنه آورد تا از او برای اتفاقی که افتاده، دلجویی کند.

عطف

«قصه‌های خوب» هنوز پرمخاطب است

مجموعه «قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب» نوشته مهدی آذریزدی در صدر پرفروش‌های انتشارات امیرکبیر در پاییز ۹۸ قرار گرفت. «من و کودک من» هم با قیمت پشت جلد ۱۸۰ هزار تومانی هشتمین کتاب پرفروش امیرکبیر شد.

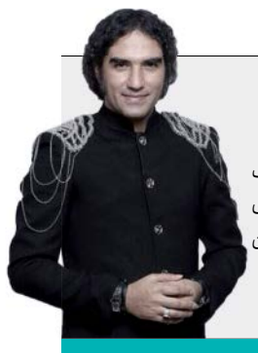
به گزارش فارس، پنج عنوان کتاب پرفروش این انتشارات در ماه‌های مهر، آبان و آذر اعلام شد. طبق این گزارش به ترتیب عناوین قصه‌های خوب برای بچه‌ها خوب (۸ جلدی) نوشته مهدی آذریزدی، «اصول فلسفه و تعلیم و تربیت» نوشته دکتر علی شریعتمداری، «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» نوشته محمدرضا باطنی، «صد سال تنهایی» اثر گابریل گارسیا مارکز به ترجمه بهمن فرزانه و «شازده کوچولو» اثر آنتوان دوسنت اگزوپری به ترجمه محمد قاضی در صدر پنج عنوان پرفروش انتشارات امیرکبیر در پاییز ۹۸ قرار گرفتند.





اجرا برای کودکان کپرنشین

آیدین شیخ خواننده و نوازنده خیابانی دف به همراه گروه «دنگ دنگ» به سرپرستی شهاب قاسمی به صحنه می‌رود تا با عواید این کنسرت برای کودکان کپرنشین سیستان و بلوچستان پارک بازی بسازد. اجرای این گروه ۱۳ دی ۱۳۹۸ در تالار اندیشه حوزه هنری برگزار می‌شود. شیخ در سال‌های گذشته از درآمد اجراهای خیابانی‌اش مدرسه ۴۰۰ نفری اباذر از توابع فنوج بلوچستان را بازسازی کرده و حالا قصد دارد در همین منطقه یک پارک بازی بسازد.



رضا یزدانی با «دیوونه خونه مجازی» آمد

رضا یزدانی خواننده موسیقی پاپ یازدهمین آلبوم رسمی خود را با عنوان «دیوونه خونه مجازی» در قالب ۱۲ قطعه منتشر کرد. علی اوجی تهیه‌کننده این آلبوم به مهر گفت: عنوان دیوونه‌خونه مجازی ترکیبی از فضای آلبوم و اسم یکی از قطعات است. همه ما این روزها دغدغه فضای مجازی را داریم و ساعات زیادی را در این فضا می‌گذرانیم. بنابراین چنین اسمی را برای آلبوم انتخاب کردیم که مرتبط به اوضاع این روزهای ماست.

نگاهی به «بی‌نام» تازه‌ترین آلبوم محسن چاوشی که احتمالا فقط هواداران دوآتشه‌اش می‌توانند آن را دوست داشته باشند

امیر نه چندان بی‌گزند!



زینب مرتضایی‌فرد

فرهنگ و هنر

چه نام خوبی برای آلبوم انتخاب شده است؛ «بی‌نام» برای آلبومی که هویت پررنگی ندارد و ردی در ذهن مخاطب نمی‌گذارد نام خوبی است.

حتی اگر همان نام قبلی آلبوم که دفتر موسیقی وزارت ارشاد به آن مجوز نداده بود هم تایید می‌شد، باز هم «قمارباز» نام مناسبی بود برای آلبومی که چاوشی در آن مسیر عجیبی را رفته است. مسیری متفاوت از تمام آلبوم‌هایش. احتمالا بپرسید که این چه ایرادی دارد؟

مسلما ایرادی هم ندارد و اتفاق خوبی است به شرطی که هنرمند در مسیری که قبل‌تر طی کرده، یک گام جلوتر رفته باشد.

اما چاوشی در این آلبوم اتفاق تازه‌ای ندارد و می‌شود گفت در آهنگسازی و خوانندگی چیز تازه‌ای ارائه نکرده است.

چاوشی خواننده‌ای است که حتی با آلبوم‌های غیررسمی که اوایل فعالیتش منتشر کرد بسیار تاثیرگذار بود، هم بر مخاطبان موسیقی هم بر جریان روز موسیقی.

حالا عجیب است که در آلبوم تازه‌اش قطعاتی کم‌جان و ناموفق را می‌بینیم. آیا چاوشی به انتقادات رسانه‌ها درباره این آلبوم توجهی خواهد کرد و دوباره به روزهای اوج خود باز می‌گردد؟



از چه حرف می‌زنیم؟

این‌که چرا می‌گوییم آلبوم بی نام اتفاق تازه‌ای در خود ندارد، موضوعی است که باید درباره‌اش توضیح بدهیم و بگوییم در مقایسه با کدام آثار چاوشی چنین نظری داریم و چرا این حرف را می‌زنیم. چاوشی در این آلبوم سراغ اشعار کلاسیک رفته است، کاری که قبل‌تر هم انجام داده و نتیجه‌اش آلبوم‌ها و قطعاتی بود که بسیاری اعم از این‌که هوادار چاوشی باشند یا نه دوستش داشته‌اند.

من خود آن سیزدهم

اشعار: جمعی از شاعران کلاسیک و یک شاعر معاصر

آهنگسازی: محسن چاوشی

تنظیم: سه تنظیم کننده به‌علاوه محسن چاوشی

«من خود آن سیزدهم» ششمین آلبوم محسن چاوشی است که اواسط اسفند سال ۱۳۹۱ منتشر شد. اشعارش از میان سروده‌های شهریار، مولانا، وحشی بافقی، باباطاهر و خیام انتخاب شده بود. تنظیم‌های شهاب اکبری، کوشان حداد، امیر جمال‌فرد و محسن چاوشی ساخته شد. آهنگسازی کلیه قطعات با محسن چاوشی بوده است. چاوشی در این آلبوم اشعار کلاسیک را خوانده بود و حتی غزلیات شهریار هم که شاعری معاصر است، حال و هوا و فضای کلاسیک فارسی را دارد. این نخستین تجربه او در خواندن اشعار کلاسیک در قالب یک آلبوم بسیار موفقیت‌آمیز بود و طبق اعلام تیم تهیه‌کننده توانست تنها دور روز پس از انتشار به تیراژ دوم برسد.



امیر بی گزند



اشعار: جمعی از شاعران کلاسیک و معاصر

آهنگسازی: محسن چاوشی

تنظیم: پنج تنظیم‌کننده بعلاوه محسن چاوشی

هشتمین آلبوم چاوشی که قرار بود نامش چنگیز باشد، نیمه خرداد ۹۵ با نام «امیر بی گزند» منتشر شد. چاوشی در این آلبوم شعر و ترانه‌هایی از مولانا، سعدی، پدرام پاریزی و حسین صفا را خوانده بود و تنظیم قطعات را هم خودش به‌علاوه عادل روح‌نواز، کوشان حداد، فرشاد حسامی، بابک نقوی و بهروز صفاریان انجام داده بودند.

محسن چاوشی در این آلبوم نگاهی نو به شعر فاخر شاعران قدیم و شاعران معاصر داشت و موفقیت آلبوم منتقدان را به این نتیجه رساند که او به تلفیق خوبی رسیده و ادبیات کلاسیک و امروزی را به شیوه مطلوبی در کنار هم ارائه کرده است.

آلبوم امیر بی‌گزند در جشنواره موسیقی فجر سال ۱۳۹۵ هم در رقابت با نامزدهای بهترین آلبوم سال ۹۵ در جایگاه نخست قرار گرفت و عنوان بهترین آلبوم سال را از آن خود کرد.

بی نام

اشعار: جمعی از شاعران کلاسیک

آهنگسازی: محسن چاوشی

تنظیم: محسن چاوشی

بی نام، همین آلبوم تازه چاوشی که سه روز از انتشارش می‌گذرد، هم در بردارنده ۱۱ قطعه با اشعاری از مولانا، سعدی، فصیح‌الزمان کاشانی و وحشی بافقی است. تنظیمات را به‌طور کامل چاوشی انجام داده و نتیجه کار هم شده ۱۱ قطعه یکنواخت و تا حدی شلخته که به‌خوبی نشان می‌دهد وقتی یک هنرمند می‌خواهد همه کارها را شخصا انجام دهد و از سلیقه و نگاه‌های دیگر بهره‌ای نمی‌برد، چه اتفاقی برایش رخ می‌دهد. موسیقی‌های متفاوت قطعات گاه راک می‌شود، گاهی سنتی، گاه پاپ و گاه هم تم جنوبی به آنها اضافه می‌شود که ترکیبی متاسفانه نه خوش ترکیب می‌سازد و در موارد زیادی آلبوم را برای گوش‌های حساس لااقل از گوشنوازی خارج کرده و آزار دهنده می‌کند.



آلبوم بی‌نام از نگاه یک چاوشی‌باز

«بر سلطان» خوش نبودم

طاهره آشیانی

روزنامه‌نگار

این که من صدای محسن چاوشی را دوست دارم چیزی نیست که بخواهم پنهان کنم، مثل همه آنها که این خواننده را دوست دارند و معمولا منتظرند تک آهنگی یا آلبومی از او منتشر شود و روزها و حتی ماه‌ها حال شان را با صدا و موسیقی خاص او خوب کنند. چاوشی، ترانه و آلبوم خوب کم ندارد. از ترانه‌هایش برای فیلم سنتوری بگیر تا آوازخوانی بی‌نظیرش برای سریال شهرزاد. هنوز هم وقتی دلم می‌گیرد و دوست دارم برای دل خودم مرثیه‌سرایی کنم، رفیقم کجایی را گوش می‌کنم و گاهی حتی با آن گریه هم می‌کنم. همین‌قدر رو راستم با آنچه چاوشی می‌خواند.

بارها شده با ترانه «بیست هزار آرزو» حال و هوایم را خوب کرده‌ام. چاوشی برای من رفیق ساعت‌های خوب و بد است. ساعت‌های خوشی و ناکامی. همه اینها را اما همه جا بروز نمی‌دهم. راستش تعصب کور ندارم که انتقاد درباره خواننده محبوبم را برنتابم.

مثلا وقتی نزدیک‌ترین دوستم می‌گوید: «وای صدای اینو چطور تحمل می‌کنی!» سرخ و سفید نمی‌شوم و واکنش آنی نشان نمی‌دهم اما در دلم می‌گویم: «بی ادب! به سلیقه من احترام بگذار.»

همه اینها را نوشتم تا بگویم، قند در دلم آب شد وقتی آلبوم «بی‌نام» منتشر شد. باز هم با صدای بلند می‌گویم که من عاشق حضرت مولوی هستم. برایم حکم سفیری دارد که در هفت آسمان گشته و آنچه گفته را گاهی می‌فهمم و گاهی نه! وقتی نمی‌فهمم با حس غزل‌هایش دلم را آرام می‌کنم. حس مولوی از آن حس‌های حال خوب کن است حتی وقتی دلت مرثیه می‌خواهد.

خبرهای زیادی خواندم قبل از انتشار آلبوم بی‌نام که چاوشی در این آلبوم از غزل‌های سعدی و مولوی استفاده کرده. سعدی که کلا حال خوب کن است با آن غزل‌های عاشقانه و بی‌بدیلش و مولوی را هم که گفتم.

آلبوم بی‌نام قرار بود مثلثی آتشین باشد؛ مولوی، سعدی و چاوشی. همه خوبانم در یک آلبوم دیگر چه می‌خواهم!

آلبوم منتشر شد و اولین ترکی که از آن گوش دادم، «بر سلطان» بود. عالی بود، ضرب و آهنگ و چرخش سازها و صدای چاوشی همان سماعی است که مولوی برایمان هدیه می‌آورد. خاطرم جمع شد، راستش در اینستاگرام، استوری گذاشتم و سرخوشی‌ام را بابت انتشار این آلبوم به دوستان اعلام کردم، اما... و اما... ترک‌های بعدی را گوش دادم.

آن اشتیاق، آن شور کم کم فروکش کرد، نه! دوست شان نداشتم، چرا دروغ! من تعصبم را به چاوشی هرگز بروز نداده‌ام.»

من خودم را آماده کرده بودم با آلبوم بی نام با آن چرخش و حرکت غزل‌های مولوی و توازن کلمات سعدی در غزل‌هایش، هم بخندم هم بگریم، تجربه کنم سماعی دیگرگونه را در ذهن و دلم... استوری‌ام را پاک کردم، تعصب ندارم که چاوشی همیشه باید خوب باشد. اما خب نباید برایش هم تبلیغ بیخود بکنم و بگویم آه ... بی‌نام عالی است!



امان از بی نام، امان از چاوشی

امان و فریاد و داد از این آلبوم تازه. کاورش را هم که نگاه کنید، می‌بینید شبیه یک طرح ابتدایی و بی کیفیت است و اصلا قابل مقایسه با آلبوم‌های دیگر چاوشی نیست، محتوا که هیچ حتی در ظاهر کار هم شاهد این اتفاق هستیم.

چاوشی هنرمندی است که رسانه را خوب می‌شناسد، اما این شناخت خوب او را به مرور بیشتر و بیشتر درگیر حاشیه و بازی رسانه‌ای کرده است.

مثلا همین حالا که سه روز از انتشار آلبوم گذشته صفحه پر و پیمانی در ویکی پدیا دارد و چندین و چند بار بازی‌هایی مبنی بر مجوز نگرفتن نام آلبوم و لو رفتن قطعات و .... شکل گرفته و مخاطبی را که خرداد امسال منتظر آلبوم بوده با انواع چالش‌ها و بازی‌ها روبه رو کرده است. تجربه‌های که در هر یک از آلبوم‌های چاوشی به خصوص ابراهیم هم شاهد آن بودیم.

کاش چاوشی حاشیه بازی‌اش را کم کند و برگردد به حال و هوای هنرمندی که با آلبوم‌های موفقش گل کرد و هنوز هم ترانه‌هایی چون «رفیق من سنگ صبور غم هام» را با صدای او توی گوش آدم می‌آورد. یک چاوشی بی حاشیه که با کارش سر پا می‌ایستد نه حاشیه و تاریخ عوض کردن و بازی‌های دیگر.

چرا «بی نام» آلبوم خوبی نیست؟

محسن چاوشی از آن دست هنرمندانی است که دوست دارد بیشتر کار آلبوم هایش را خودش انجام دهد. اتفاقی که می‌تواند تجربه‌های متفاوتی برایش رقم بزند، برای مثال از میان آلبوم‌هایی که نام بردیم آهنگسازی دو آلبوم اول را خودش به تنهایی انجام داده و به خوبی هم از پس کار برآمده، اما در آهنگسازی آلبوم سوم با اثری دارای کیفیت روبه رو نیستیم.

ضمن این که در ادامه تنظیم تمام قطعات را هم خودش شخصا انجام داده و اگر شعرها را هم می‌سرود و سازها را هم خودش می‌زد! دیگر می‌شد همه کاره این آلبوم. چاوشی در این آلبوم «بی نام» حتی خوانندگی خوبی هم ارائه نکرده است.

در برخی قطعات از جمله راز، خواسته فضایی رازآلود ایجاد کند که ابتدا این اتفاق نیفتاده و خوانندگی‌اش را هم در برخی بخش‌ها به نقطه ضعف آلبوم بدل کرده است.

آهنگسازی یکنواخت کار نتوانسته به شعرها هم حال و هوایی متفاوت ببخشد، اتفاقی که قبل‌تر او با اشعار مولانا رقم زده بود و آثار شنیدنی را خلق کرده بود. می‌توان گفت آلبوم تاه چاوشی را ممکن است تنها هواداران دو آتشه‌اش دوست داشته باشند، آن دسته از هوادارانی که چندان به منطق گفت‌وگو درباره اثر هنرمند مورد علاقه‌شان معتقد نیستند و چشم و گوش بسته می‌خواهند هر چه را که فرد مورد نظرشان منتشر می‌کند، تایید کنند و دوست داشته باشند.

البته شاید باشند کسانی هم که این آلبوم سلیقه شان باشد، اما اگر باشند هم تعدادشان بسیار کم خواهد بود. خلاصه که آلبوم تازه خواننده‌ای که هوادارانش با عنوان آقای خاص از او نام می‌برند، ابدا راضی کننده نبود و چه حیف... چاوشی می‌توانست با فردگرایی کمتر و کار گروهی پررنگ‌تر و کمک گرفتن از دیگر متخصصان آهنگسازی و تنظیم، اتفاق بهتری را رقم بزند، کاری که بارها ثابت کرده توانایی‌اش را دارد.